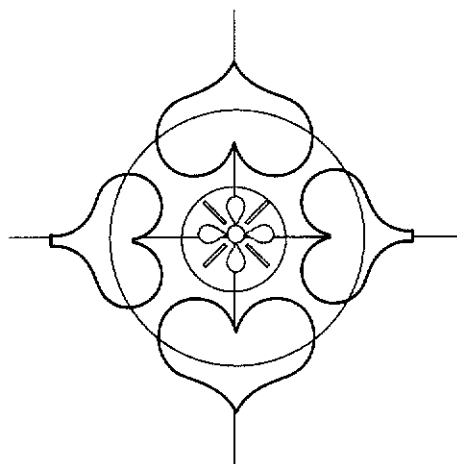


شرح حال و معرفی تفسیر

آیت الله نهاوندی

(قدس سره)

عباسعلی علیزاده



یکی از قرآن پژوهان سدهٔ اخیر، مرحوم حاج شیخ محمد نهاوندی رحمة الله علیه است. وی در پانزدهم رجب سال ۱۲۹۱ هـ ق در نجف اشرف در خانواده روحانی^۱ متولد شد. در سن چهار سالگی همراه پدرش برای زیارت به مشهد مقدس مشرف شد و پس از بازگشت، در تهران اقامت گزید. وی در سال ۱۳۰۳ پدر ارجمند خود را از دست داد و تحت سرپرستی برادر بزرگوار و دانشمند خویش مرحوم حاج شیخ محمد حسن نهاوندی^۲ قرار گرفت. فقه، اصول و حکمت را نزد برادر خود و علمای تهران به پایان رسانید و آن گاه در سال ۱۳۱۷ به همراه برادر محترمش تهران را به مقصد مشهد مقدس ترک کرد و در این مکان مقدس از بزرگانی همچون شیخ اسماعیل ترشیزی و میرسید علی حائری و حاج شیخ حسنعلی تهرانی بهرهٔ کافی برد و در همان ایام، اجتهاد ایشان مورد گواهی اساتید بزرگوارشان قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۲۴ به قصد ادامه و تکمیل تحصیلات خود به عراق مهاجرت نمود. ابتدا در

کربلا از محضر آیت الله سید اسماعیل صدر و پس از رفتن به نجف اشرف دروس فقه و اصول را در محضر پرفیض آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل به کمال رساند. در اخلاق، از شاگردان مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی به شمار می رود، مدتی را هم در سامرا از درس آیت الله محمدتقی شیرازی بهره برد.

در سال ۱۳۳۰ پس از شنیدن خبر کسالت و سکتة برادر گرانقدرش به مشهد مقدس بازگشت و در آنجا رحل اقامت افکند و مشغول تدریس و تالیف شد.

ویژگیهای اخلاقی

بی شک یکی از صفات برجسته هر مسلمان تواضع اوست و چه زیبا است اگر این صفت در عالم دینی تبلور یابد. مرحوم نهاوندی از آن دسته عالمانی بود که از تواضع و فروتنی بسیار برخوردار و در همین حال فردی زنده دل، با نشاط و دارای طبعی لطیف بود و نسبت به اهل علم به ویژه نسبت به سادات، احترام فوق العاده ای می گذاشت.

در میدان بحث، شخصی جسور و در برخورد با افراد بسیار ملایم و آرام بود. زندگی بسیار ساده و بی آرایش داشت، بدون هیچ گونه تمایلی به مادیات و جنبه های فریبنده زندگی، در کمال قناعت می زیست. آنچه پس از فوت ایشان باقی مانده بود، خود دلیل و گواهی بر این مدعا است.

حفظ تمامی قرآن یکی دیگر از ویژگیهای آن مرحوم به شمار می رود که با عنایت به اینکه نامبرده مفسری گرانقدر است، ارزش این امر روشن تر می گردد.

شخصیت و ویژگی های اخلاقی ایشان مورد توجه و تمجید و تحسین همگان بود. وی در سال ۱۳۷۰ و در سن ۷۹ سالگی در حال اشتغال به عبادت، دار فانی را وداع گفت و به جوار حق پیوست و در دارالضیافة حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. روحش شاد.

تالیفات

مرحوم نهاوندی در زندگی عاشق مطالعه و تحقیق بود به گونه ای که اکثر وقت خود را به مطالعه و تحقیق و تالیف می گذراند که نتیجه اش آثار گرانسنگ برجای مانده از آن بزرگوار است. از آن جمله:

ضیاء الابصار فی مباحث الخیار؛ سراج النهج فی مسایل العمرة والحج؛ دیوان اشعار؛ حاشیه بر کتاب صلاة مرحوم حایری؛ نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن و تبیین الفرقان که مهم ترین آنها به حساب می آید. این تالیف گرانقدر در یک آتش سوزی از بین می رود و سپس مرحوم نهاوندی با تلاشی دوباره و عزمی راسخ به تالیف مجدد آن می پردازد.

آیت الله مروارید یکی از معاصران مرحوم نهاوندی از کتاب دیگری به نام «سبع فی سبع» یاد می کنند که گویا دربارهٔ خیارات است و نیز متذکر می گردند که مرحوم نهاوندی شخصیت برجسته و فقیهی بزرگوار و کاملاً مورد اعتماد مرحوم حاج آقا حسین قمی (ره) بود. تا آنجا که توسط ایشان مرجعی برای حل مشکلات مردم قرار گرفته بود^۳ و پس از برخوردی که از ناحیه حکومت وقت نسبت به ایشان صورت گرفت به تهران عزیمت کرد و تفسیر گرانسنگ خود را به رشته تحریر درآورد.

تفسیر نفحات الرحمن که شامل تمام قرآن است در چهار جلد بزرگ در سال ۱۳۶۹ تالیفش به پایان رسیده و در سال ۱۳۷۰ چاپ آن کامل گردید، این تفسیر به دو زبان فارسی و عربی نگاشته شده است تا از این رهگذر استفاده و بهره گیری از آن برای همگان میسر گردد. مفسر محترم پس از نقل آیات، ابتدا به تفسیر فارسی می پردازد و آنگاه مطالب را به گونه مفصل به زبان عربی بیان می کند.

تقریباً یک چهارم مجموعه کتاب را بخش فارسی آن به خود اختصاص داده است که می تواند به صورت مستقل چاپ و برای فارسی زبانان مورد استفاده قرار گیرد.

نمای کلی تفسیر را می توان از بیان مؤلف در پیشگفتار کتاب بدست آورد آنجا که می فرماید: «فاصطفیت من التفاسیر ما هو لبابها اکتفیت من الوجوه بما هو صوابها و بالغت فی الجد بنقل ما وصل الی بطرق الخاصة والعامة من الروایات واستفرغت الوسع فی بیان وجه النظم بین السور والآیات و صرفت الهم فی التعرض لاسباب النزول الواردة فی الاثار وبذلت الجهد فی الاسفار عن وجوه بعض النکت والاسرار و کففت عن التکلم فی اعراب ال کلمات و بیان وجوه القراءات الی کانت مخالفة للقراءة المشهوره الی الی و جدتها عن اهل الذکر مأثوره».

مؤلف گرانمایه، قبل از ورود به تفسیر، مباحثی از علوم قرآن را به عنوان مقدمه و با نام «طرفه» بیان کرده است که مجموع آن به ۴۰ بحث می رسد. اهم آن مباحث عبارتند از: اعجاز قرآن، نزول قرآن، جمع آوری قرآن، نامهای قرآن، صیانت قرآن از

تحریف، ترتیب و تقسیم بندی و نامهای سور، محکم و متشابه و تفسیر و تاویل، حروف مقطعه، نسخ در قرآن، ظهر و بطن قرآن، رفع تناقض در آیات، برتری قرآن بر سایر کتب آسمانی، تعلیم و تعلم، تلاوت و حفظ قرآن، برتری برخی سور و... مفسر گرانقدر همانند تفسیر صافی آیات را با بیانات تفسیری پیوند داده و در هر یک از قسمتهای آیه، به تناسب از بحثهای دیگر استفاده کرده است، به عنوان نمونه در ذیل آیه ۴ سوره بقره چنین آورده است:

والذین یؤمنون ویصدقون تصدیقاً حقیقیاً لسانياً وجنائياً بما انزل من السماء متدرجاً الیک من القرآن و جمیع احکام شریعتک... وما انزل من الکتب علی سایر الانبیاء من قبلک . و بدین شکل تفسیر قرآن کریم را با بیانات تفسیری، شأن نزولها، روایات و به تناسب با ذکر مباحث فقهی و کلامی به پایان می برد و در ضمن بیان این مباحث، نظرات خود را نیز بیان می دارد.

ویژگیهای تفسیر

۱. بهره گیری از روایات

استفاده گسترده مرحوم نهاوندی از روایات گوناگون جلوه ای خاص به تفسیر بخشیده وی در پیشگفتار کتاب می گوید: من کوشش فراوانی را برای نقل روایات وارده از طریق عامه و خاصه نموده ام «بالغت فی الجد بنقل ما وصل الی به طرق الخاصة والعامة من الروایات». بهره گیری فراوان مؤلف محترم از روایات به گونه ای است که این تفسیر را می توان تفسیر روایی دانست. روایات نقل شده در این کتاب تنها روایات تفسیری نیست بلکه به هر مناسبتی از روایات بهره برده است. مثلاً ذیل آیه امر بمعروف و نهی از منکر روایات متعددی نقل می کند که قطعاً جنبه تفسیری نداشته و صرفاً تأکیدی بر مفهوم آیه و اهمیت و فضیلت این فریضه الهی است. و از این نمونه است، روایاتی که در بیان تاریخ اُمم گذشته آورده است.

در نقل روایات از منابع فراوانی سود جسته است که خود در خاتمه مقدمه از آنها نام برده است:

۱. جوامع الجامع ۲. بحار الانوار ۳. حاشیه کتاب اسرار التنزیل ۴. تفسیر صافی
۵. مفاتیح الغیب ۶. الاتقان ۷. تفسیر ابی سعود ۸. اسرار التنزیل ۹. روح البیان
۱۰. وسایل الشیعه

۲. موضعگیری درباره روایات اسرائیلی

مرحوم نهاوندی در ارتباط با روایات و اخبار اسرائیلی به شدت موضعگیری می نماید و آنها را با معیار عقل و کتاب سنجیده و مردود می شمارد. به عنوان نمونه: ذیل آیه «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ...» (بقره ۱۰۲/۲) پس از نقل برخی از روایات در این زمینه می گوید: «لایخفی ان الروایات التي تكون موافقة لما اشتهر بين العامة لا بد من حملها على التقيہ لمخالفتها للكتاب والعقل وقال بعض العامة ان مدارها ما روته اليهود واما توجيهها بالذي تكلفه الفيض وبعض العامة ففى غاية البعد وحملها على كونها اسراراً لا يناسب رواتها كعطا وابن كواً لبداهة عدم كونهما من اهل السر والفهم. والحاصل ان الروایات الدالة على عصيان الملكين بالشرك والزنا وشرب الخمر وقتل النفس ومسخ زهره مما يجب ردها اورد علمها اليهم عليهم السلام».

۳. توجه به شأن نزول

یکی از مواردی را که مفسر مورد توجه قرار داده است ذکر شأن نزول های وارده است و چون شأن نزول ها به صورت روایت می باشند لذا این خود بخشی از مسأله بهره گیری از روایات به حساب می آید. آنچه لازم به ذکر است، اینکه اصولاً مؤلف پس از نقل روایات در هر قسمت در صورتی که بین آنها تعارض و اختلافی باشد. درصدد جمع بین آنها برمی آید و به گونه ای تخالف و تضاد بین آنها را برطرف می سازد.

۴. ارتباط سور و نظم آیات

یکی دیگر از برجستگی های این تفسیر تلاش گسترده مفسر، در بیان ارتباط سور و آیات است اما اینکه تا چه اندازه در این جهت موفق بوده است، مجال دیگری می طلبد. این امر ناشی از اندیشه مفسر در این بحث است، چه اینکه در مسأله جمع آوری قرآن و اینکه آیا قرآن به صورت موجود و با همین ترتیب در زمان شخص پیامبر اکرم ﷺ شکل گرفته یا این ترتیب پس از آن حضرت توسط اصحاب صورت پذیرفته، دو دیدگاه وجود دارد. برخی بر این باورند که ترتیب سور و آیات در زمان پیامبر اکرم ﷺ و با نظارت حضرتش صورت پذیرفته و اصحاب قرآن را بدین شکل جمع آوری کرده اند. در مقابل

برخی اعتقادی جز این دارند و اصرار می‌ورزند، همان‌گونه که اصل قرآن وحی الهی است و در مطالب آن هیچ‌گونه تصرّفی صورت نگرفته است، در چینش آیات و سور نیز امر الهی دخالت داشته و نظارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر این امر مانع هرگونه تصرّف در نظم و ترتیب آیات و سور شده است و به اصطلاح معتقدند که ترتیب آیات و سور توقیفی است. (گرچه همگان بر این واقعیت اذعان دارند که شکل موجود قرآن طبق نزول آن نیست) مرحوم نهاوندی رحمة الله علیه از دسته دوم به شمار می‌رود و بحثی را در مقدمه کتاب در همین جهت به میان آورده و در فرازهایی از آن چنین می‌گوید:

«لاریب ان الآیات الكتاب العزیز و سوره ترتیباً مرضیاً عندالله ثابتاً فی اللوح المحفوظ منزلاً علی النبی صلی الله علیه و اله بواسطه جبرئیل علیه السلام لان حُسن الترتیب والنظم مآله مدخل تام فی حُسن الكتاب و فی القرآن المجید الذی هو احسن الكتب ومطالبه احسن الحدیث وعلی هذا لابد ان یکون نظمه و ترتیبه من قبل الله ولا یکون من البشر...»

و تا آنجا پیش می‌رود که به نقل از برخی بزرگان می‌گوید: «اکثر لطائف القرآن مودعة فی الترتیبات والروابط وقال آخر من تأمل فی لطائف نظم السور و فی بدایع ترتیبها علم ان القرآن کما انه معجز بحسب فصاحته و شرف معاینه فهو ایضاً معجز بسبب ترتیبه و نظم آیاته.»

بدیهی است که چنین اندیشه‌ای در عمل تاثیر بسزایی گذاشته و مفسر را بر این داشته است که کوشش فراوانی در جهت ارتباط سور و آیات بنماید.

به عنوان نمونه در پایان سوره نسا و قبل از شروع در تفسیر سوره مائده می‌گوید: «ومن لطائف هذه السورة المباركة...» خداوند این سوره را با بیان قدرت کامل خویش آغاز نمود، آنجا که می‌فرماید: «خلقکم من نفس واحدة» و در پایان سوره، علم کامل خویش را بیان کرد «وهو بكل شیء علیم» و این دو صفت، مرجع تمامی صفات خداوند و ثابت کننده الوهیت و ربوبیت است و از آنجا که این دو (الوهیت و ربوبیت) اطاعت و انقیاد کامل عبد را موجب می‌شود لذا بدنبال آن، سوره مائده را آورده که در آن امر به اطاعت جمیع احکام شده است، چرا که احکام خود عقد و عهد الهی است.»

و بدین شکل در هر سوره‌ای، سعی در ایجاد ارتباط با سوره قبلی دارد و همین ارتباط را در آیات نیز دنبال می‌کند مثلاً: در ارتباط آیه: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ...» با آیه بعد از آن که می‌فرماید: «وَأَنْ خِفْتُمْ أَنْ لَاتَقْسَطُوا فِی الْيَتَامَىٰ فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ

من النساء...» (نساء / ۲/۴ - ۳) سخنان گوناگون و مختلفی گفته شده است اما مرحوم نهاوندی چنین می گوید:

«لما كان تولى امر اليتيم وحفظ ماله فى الاغلب لازماً... فانكحوا وتزوجوا ما طاب لكم ومن يوافق ميل قلوبكم من النساء فان شأنهن حضانة الاطفال...» یعنی از آنجا که سرپرستی یتیم و حفظ اموال وی غالباً ملازم با معاشرت اوست و این روشن است که بچه کوچک نوعاً پیشنهادات و خواسته هایی دارد که در بسیاری از موارد موافقت با آنها امکان ندارد و مردان نمی توانند او را از خواسته هایش منصرف نمایند، به ویژه اگر بچه لجباز و بداخلاق باشد. اینجا است که مرد به ستوه آمده و چه بسا یتیم را بزند، دشنام دهد و بالاخره بر او تعدی روا دارد لذا خداوند راه فرار از این مشكله را نشان داده و فرموده است اگر ترس از این دارید درباره ایتام عدالت را رعایت نکنید پس با هر زنی که مایلید و مورد رضایت شما است ازدواج کنید که شأن و کار زن نگهداری بچه ها و مدارا با آنان و نیز تدبیر و بکارگیری روشهای گوناگون در راضی نگه داشتن بچه ها و منصرف نمودن آنان از خواسته هایشان است...»

و در پایان می گوید: «اعلم ان ما ذكرته من وجه النظم هو الذى سنح بخاطرى وقوى فى نظرى».

۵. توجه به مسایل کلامی

آنجا که سخن از بحث های کلامی به میان می آید، مفسر از این فرصت بهره جسته و به تفصیل وارد این گونه بحث ها می شود و در این بین سخنان فخر رازی را نقل و سپس درصدد رد آنها برمی آید. برای نمونه می توان به بحث عصمت انبیا ذیل آیه: «فتلقى آدم...» (بقره / ۲/۲۷) و بحث جبر و اختیار ذیل آیه «ختم الله على قلوبهم...» (بقره / ۲/۷) و مسأله امامت و ولایت ذیل آیه «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولوالامر منكم...» (نساء / ۴/۵۹) اشاره کرد که همت مؤلف مصروف بیان نظرات و دیدگاه های مذهب شیعه گردیده است.

۶. بیان مسایل فقهی

نظر به اینکه بخش عمده ای از قرآن کریم را آیات احکام تشکیل می دهد، طبیعی است که بسیاری از مفسران به تناسب به مباحث فقهی بپردازند و در این بین برخی

به تفصیل و پردامنه این مباحث را دنبال کرده اند تا آنجا که تفسیرشان چهره تفسیری فقهی به خود گرفته است. اما مفسر گرانقدر تفسیر نفحات الرحمن در بحثهای فقهی، ابتدا چند روایات را ذکر و سپس به استناد آنها نظر خود را بیان می کند. مثلاً ذیل آیه «ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً» (آل عمران / ۹۷/۳) پس از نقل برخی از روایات درباره استطاعت، می گوید: در صورتی که انسان خرج رفت و برگشت به حج را داشته باشد ولی پس از بازگشت زندگی اش با مشقت بگذرد مستطیع نیست؛ و برخی روایاتی را که به ظاهر مخالف با این حکم است، حمل به استحباب می نماید. به هر صورت، گرچه در این تفسیر بحثهای ادبی بچشم نمی خورد ولی بهره گیری مفسر از پاره ای نکات و کلمات دیگر مفسران و با توجه به ویژگیهای پرشمرده شده می توان تفسیر مذکور را تفسیری کاملاً قابل استفاده برای علاقه مندان به پژوهش در قرآن مجید و بحثهای تفسیری دانست.

۱. پدر بزرگوار ایشان مرحوم آیت الله میرزا عبدالرحیم نهاوندی است که از دانشمندان بزرگ و از شاگردان برجسته مرحوم شیخ انصاری (ره) بوده است. وی فقیه، اصولی، ادیب، شاعر و در زهد و ورع ممتاز بود.
۲. نامبرده از شاگردان آیت الله حاج میرزا حسن شیرازی (ره) بوده است.
۳. گویا نامبرده دارای محضری بود و پس از اینکه برخی از مقررات وقت را رعایت نکرد امتیاز محضر را لغو کردند و ایشان ناگزیر به ترک مشهد به مقصد تهران گشت.